

شناخت معیارهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی در تمایل به ازدواج در بین دختران ۱۹-۲۹ ساله در شهرستان نهاوند

مریم کرملی

: کارشناس ارتباطات و روابط عمومی، شهرداری نهاوند، نهاوند، ایران maryamk1366@yahoo.com

چکیده

این تحقیق با هدف شناخت معیارهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی در تمایل به ازدواج در بین دختران ۱۹-۲۹ ساله در شهرستان نهاوند» به روش تبیینی و پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری شامل کلیه دختران بین سنین ۱۹-۲۹ سال ازدواج نکرده در شهر نهاوند (۶۵۱۷ نفر) بود. با روش نمونه گیری تصادفی در دسترس، حجم نمونه ۳۰۰ نفر از بین دختران ازدواج نکرده در شهر نهاوند توسط فرمول کوکران بدست آمده است. با ابزار پرسشنامه شامل ۴۸ سؤال) که به کمک و نظر استاد راهنما توسط محقق طرح شده است، سؤالاتی در خصوص معیارهای ازدواج پرسیده شده است و یافته های پژوهش از جداول توصیفی- تحلیلی، نتایج ارائه شده است. به منظور تحلیل داده ها از آزمون ضرایب همبستگی استفاده شده است. در بررسی فرضیه های تحقیق دریافت شد که با محاسبه ضریب همبستگی و ($P < 0.05$) بین معیار مالی، جمعیتی شخصیتی، عاطفی، اجتماعی و فرادست بودن همسر مطلوب از نظر اقتصادی، اجتماعی تمایل به ازدواج دختران ۱۹-۲۹ ساله رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: ازدواج، معیار مالی، شخصیتی، جمعیتی، عاطفی، اجتماعی

مقدمه

خانواده مهمترین واحد اجتماعی هر جامعه است که با بستن پیمان زناشویی بین زن و مرد به وجود می آید. ازدواج یک امر جهانی است که در تمام جوامع و تقریباً در طول تاریخ وجود داشته است و به یک مجموعه نیازهای اساسی انسان پاسخ می دهد. بقای نسل و پرورش فرزندان، تحقق آرزوی دیرین کودکی برای پدر و مادر بودن، دستیابی به عالی ترین سطح دوستی و صمیمیت در دوران جوانی و بزرگسالی و تقسیم کار و همکاری و همراهی در طول زندگی در شمار اساسی ترین کارکردهای خانواده است. ازدواج یکی از اساسی ترین و در عین حال حساس ترین مراحل زندگی انسان به شمار می رود. انسان بنا بر سرشت و ماهیت وجودی خویش و وابستگی به غیر در پاسخ به نیازهای درونی و بیرونی خود همواره از فردگرایی گریزان بوده است. حتی انسان بدوی نیز بی نیاز از زندگی مشترک (خانوادگی و گروهی) نبود. ازدواج اصلی ترین و عالی ترین نمود این پاسخ است و مظهری از قانون گروه گرایی انسان به جهت داشتن خانواده است. پس از ازدواج، باروری، فرزند آوری و تشکیل خانواده از اساسی ترین نیازهای انسان به شمار می رود. امروزه اشتغال زنان و مشارکت آنان نگرش آنان را به داشتن خانواده تغییر داده است. زنان همواره در زمینه های تولیدات کشاورزی و خدمات خانه همیشه فعال بوده اند، ولی در سالهای اخیر وقوع تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر ساختار خانواده ها و از جمله نگرش آنها نسبت به مسائل مربوط به زنان اثر گذاشته است. در گذشته تشکیل خانواده بنا بر سنن و فرمان پدر در دایره بسته ای از قوانین فAMILI صورت می گرفت، زنان استقلال مالی نداشته و مجبور بودند تا با والدین همسر خود زندگی کنند. با آزادی زنان در جامعه و ورود به بازار کار و تغییر شیوه زندگی و خارج شدن از شیوه پدرسالاری، تفکر و نگرش زنان نیز نسبت به تشکیل خانواده تغییر یافت (محمودیان، ۱۳۸۳).

ازدواج در جوامع گوناگون با اهداف و انگیزه های متفاوتی مواجه است. که به طور عمده می توان به: میل به داشتن فرزند، عوامل اجتماعی، نیاز اقتصادی و عشق اشاره کرد. این عوامل در دوره های مختلف متغیر بوده است. در جوامع علل اقتصادی و اجتماعی مهمترین عوامل تلقی شده است. امروزه در ایران ماهیت و اشکال ازدواج و پیامدهای اجتماعی آن در خانواده و جامعه، و به طور کلی الگوی همسرگزینی و نظام خانواده، ازدواج های نا موفق و طلاق های زود هنگام و بالا رفتن توقعات برای آغاز زندگی، نوع نگرش افراد و انتظاراتی که از زندگی مشترک دارند عملاً ازدواج را دچار مشکلات جدی کرده است، تحقیقات نشان میدهد که ازدواج بی موقع (ازدواج در سن بالا) می تواند تبعات منفی فردی و اجتماعی، فرهنگی و برای فرد و جامعه به همراه داشته باشد.

براساس نتایج تحقیق صدر الاسلامی (۱۳۹۲) عوامل مؤثر بر ازدواج آسان از دیدگاه دانشجویان به ترتیب اولویت عبارت است از: ۱. عوامل اقتصادی ۲. نقش دولتمردان، ۳. عوامل فردی ۴. عوامل اجتماعی ۵. عوامل فرهنگی. همچنین مطالعات ضرابی و مصطفوی (۱۳۹۰) اولویت موانع ازدواج را به صورت زیر بیان می کند: برای پسران به ترتیب - بیکاری، نداشتن ثبات شغلی، نداشتن توان مالی کافی، نیافتن فرد مناسب برای ازدواج برای دختران به ترتیب بیکاری خواستگاران، پیدا نکردن فرد مناسب، آزاد نبودن در انتخاب همسر، نبود حس مسئولیت پذیری در پسران.

ازدواج جوانان یکی از چالش های اصلی جامعه ایرانی به شمار می آید. جوانان به دلایل مختلفی از مبادرت به ازدواج دوری می کنند و پدیده تأخیر در سن ازدواج نه به عنوان یک مسأله و مشکل شخصی، بلکه به عنوان یک مسأله اجتماعی نمود پیدا کرده است. جوانانی که به خاطر سنت های غلط اجتماعی مجبور به خانه نشینی می شوند و جوانانی که دوست دارند مجرد بمانند، همه و همه پدیده مجرد را بصورت یک مشکل عمومی در آورده است که بیشتر خانواده های ایرانی با آن مواجه هستند. جوانانی که تا سنین بالا با پدر و مادر خویش زندگی می کنند و برای آغاز زندگی توقعات بالایی دارند عملاً ازدواج را دچار مشکلات جدی کرده است (اسکندری چراتی، ۱۳۸۷: ۱۰). از نقطه نظر اجتماعی بدون تردید ازدواج واجد ارزش است و از آن جمله آداب اجتماعی است که در تمام جوامع بشری آن طور که تاریخ نشان می دهد تا به امروز متداول بوده و این خود دلیلی بر اینکه یک سنت فطری است می باشد. تغییر در الگوی ازدواج یکی از شاخص های اصلی تغییرات اجتماعی است. اگر شواهد نشان دهنده کاهش بسیار در میزان ازدواج باشد، جامعه با فروپاشی خانواده زنان شاغل و در نهایت نوگرایی افراطی روبرو خواهد بود.

دختران و پسران کنونی مثل دوران گذشته نمی توانند همسر خود را ندیده و نشناخته انتخاب نمایند و امیدوار به همسانی فکری، ارزشی و هنجاری در زندگی مشترک آینده شان باشند، لذا توجه جوانان به همسانی فکری، اخلاقی و هنجاری در امر همسرگزینی به صورت یکی از مشکلات آنها در آمده و در بسیاری موارد به عنوان مانعی در امر ازدواج آنان قرار گرفته است. آنها به خوبی دریافته اند که عدم توجه به این امر می تواند موجب شکنندگی ازدواج شده و در نهایت به طلاق منجر شود (کاظمی پور، ۱۳۸۵، ۱۰۷). تحولات ایجاد شده در سطح خانواده منجر به بروز و ظهور نظریات و نگرش های مختلف و متفاوتی نسبت به این نهاد اجتماعی شده است. این نگرش ها در طیفی با دو سوی کاملاً متضاد، نظریات و افکار کاملاً متفاوتی را نسبت به خانواده ابراز می دارند. طیفی که در یک سو بازگشت به شکل سنتی خانواده برای دوام و ثبات جامعه ضروری می دانند و در سوی دیگر طیف، عمدتاً در نظریات فمینیستی رادیکال و تندرو، خانواده را محل عمدهی ستم بر زنان دانسته و ازدواج را وضعیتی غیر ارادی می دانند که در آن مجموعه ای از خشونت، بیکاری و تقاضاهای جنسی ناخواسته به زنان تحمیل می شود و تفکرات افراطی این دسته تا آنجا پیش می رود که فحشا و ازدواج را هم شأن یکدیگر می دانند که در هر دو مورد با زن در حد یک کالای جنسی برخورد می شود.

در این میان نظریات بسیاری نیز بر شکل جدیدی از خانواده، که بر خلاف نظریات افراطی، تناسب با شرایط اجتماعی و نیازهای طبیعی انسانی را مد نظر دارد، تأکید می کنند (آلبا، ۱۳۹۲: ۳۳). از دیرباز جوامع مختلف پیوند میان زن و شوهر را به عنوان ازدواج مورد قبول قرار داده اند. اما در طول زمان انواع مختلفی از ازدواج ها پدید آمده است. باوجود تنوع در ازدواج در دوران مختلف و در جوامع گوناگون، مشابهت ها و عناصر نسبتاً ثابتی در این پدیده اجتماعی وجود داشته است. کارلسون ازدواج را اینگونه تعریف می کند: «ازدواج فرایندی است از کنش متقابل بین دو فرد یک مرد و یک زن که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته اند و به طور کلی عمل آنها مورد پذیرش قانون قرار گرفته و بدان ازدواج اطلاق گرفته است (جعفر آبادی، ۱۳۹۰: ۱۸). در شهرهای کوچکتر مشکلات بیکاری و دیر ازدواج کردن جوانان بیشتر نمود پیدا می کند، شهرستان نهاوند نیز با گسترش جمعیت و افزایش تعداد جوانان ازدواج نکرده روبرو است و این امر مشکلاتی در تحولات جمعیتی منطقه ایجاد نموده است و با توجه به بالا رفتن سن ازدواج، دختران و با توجه به این مباحث این تحقیق درصدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا معیارهای ازدواج جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی بر تمایل دختران ۱۹-۲۹ ساله در شهرستان نهاوند تأثیر می گذارند؟

مبانی نظری

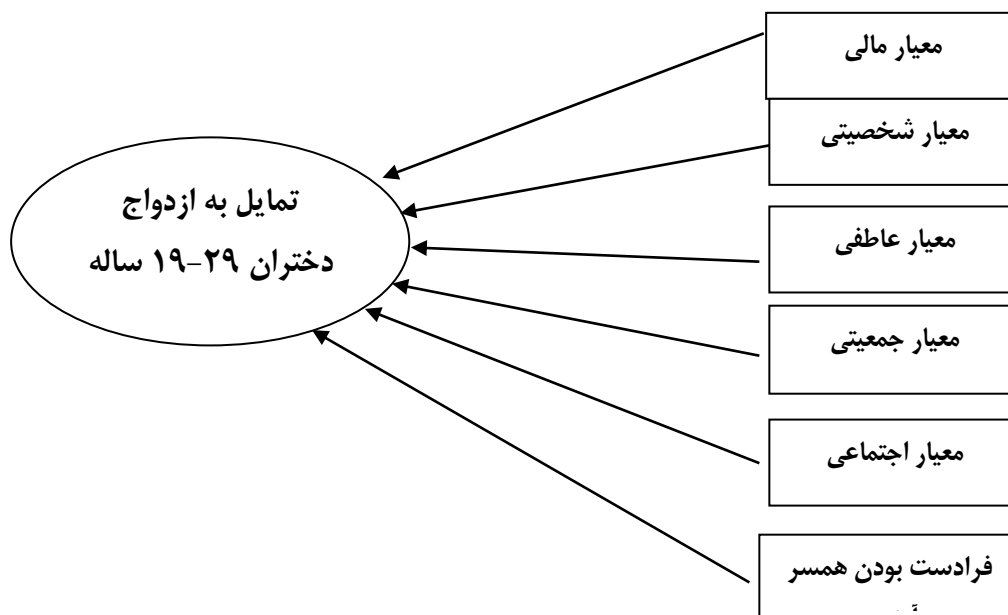
امروزه معیارهای ازدواج بسیار تغییر یافته و دیگر جوانان به خانواده های پرجمعیت گذشته نمی اندیشند و این امر به زودی جامعه را با کهنسالی و نابودی فامیل مواجه خواهد کرد، مدارس خالی از دانش آموز خواهد شد، نرخ جمعیت جوان کاهش فزاینده خواهد یافت، از این رو بررسی معیارهای ازدواج دختران نسبت به ازدواج ضرورت انجام می یابد. مرتن در پژوهش های خود به فرهنگ و انسجام در جامعه اشاره کرده است، او معتقد است، ازدواج زمانی رخ میدهد که جامعه بتواند اهداف مشخص فرهنگی و راههای وصول به آنها را مشخص نماید تا جامعه در حالتی متعادل و منسجم حفظ شود و تداوم یابد. بر اساس این رهیافت، هر گاه وسایل و اهداف در یک گروه اجتماعی و یا بطور کلی تر در ساختار جامعه، هماهنگ باشند، مثلاً هر دو کنش وسایل و اهداف سنتی را دنبال نمایند و یا هر دو عقلانیحقوقی باشند آن جامعه دچار مشکل نخواهد بود ولی چنانچه اهداف ارزشی و یا عاطفی باشند، ولی وسیله وصول به آنها عقلانی باشد دیگر با یک جامعه متعادل و هماهنگ روبرو نخواهیم بود و همین امر درباره بسیاری از موضوعات از جمله پدیده تأخیر در سن ازدواج نیز می تواند اتفاق بیافتد. پس بر اساس دیدگاه مرتن می توان بیان کرد که پدیده اجتماعی ازدواج بعنوان یکی از اهداف تعیین شده جامعه با راهها و وسایل مورد نیاز در جهت نیل به آن هماهنگ نیست. چنین گسستی میان اهداف و راههای نیل به آن بر اساس دیدگاه مرتن، جامعه را دچار بی سامانی می کند، که حاصل آن بوجود آمدن افراد کجرو و بروز بسیاری از آسیب ها و انحرافات اجتماعی و اخلاقی است (جعفر آبادی، ۱۳۹۰: ۳۸).

رنه کونینگ، مهم ترین خصلت و مشخصه اصلی خانواده را رویارویی روابط و صمیمیت تلقی کرده و خانواده را گروهی که با احساسات شدید با یکدیگر در ارتباط هستند، تعریف می کند. او معتقد است در دوران کنونی کارکردهای ثانویه خانواده، شامل کارکردهای اقتصادی، آموزشی، بهداشتی، نگهداری از سالخوردهگان و گذران اوقات فراغت، به سازمانهای دولتی واگذار شده و خانواده قادر شده به کارکرد اولیه خود، رشد شخصیت اجتماعی و فرهنگی کودکان، بپردازد. الیزابت بات به تقسیم نقش زن و شوهر در روابط زناشویی و زندگی خانوادگی در قالب نظریه «شبکه خانواده» توجه می کند. منظور بات از اتصال شبکه، اندازه آشنایی و دیدار میان اشخاصی است که اعضای خانواده با آنها به صورت مستقل آشنا هستند. در جامعه کنونی هر چه میزان ارتباط بین افراد فامیل و شبکه خویشاوندی آنان کمتر است، تمایل به ازدواج و همسرگزینی نیز کمتر است (اعزازی، ۱۳۸۷: ۴۷). هکتر به گزینش معقولانه اشاره کرده و معتقد است این افراد آگاه و هدفمند در هر شرایطی به دنبال بیشینه کردن سود خود هستند. افراد زمانی اقدام به ازدواج خواهند کرد که سودی در آن نهفته باشد، یعنی بتوانند از طریق ازدواج پایگاه و منزلت اجتماعی خود را حفظ و یا ترقی دهند و زمانی که چنین موقعیتی پیش نیاید پدیده ای به نام تأخیر در سن ازدواج در جامعه پدیدار می شود. گیدنز به نوگرایی اشاره کرده است. یکی از مهمترین آفت های اجتماعی که هر جامعه ای را با مشکل جدی مواجه می سازد، فقدان اعتماد میان اعضای جامعه یا به اصطلاح بی اعتمادی است. گسترش بی اعتمادی و دورویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و اساس کیفیت ارتباط با دیگران را دچار شک و تزلزل کرده است. (شهنازی، ۱۳۸۹: ۴۵).

دورکیم به فردگرایی و انزوای افراد معتقد است. به عقیده دورکیم با گذر به جامعه ارگانیکی وجدان جمعی ضعیف می شود، فردیت افراد رشد می یابد و اختلال و نابسامانی در قواعد و ارزشها شایع می گردد. به عقیده دورکیم خانواده تحولات عمده ای را پشت سر گذاشته است. وی می گوید: خانواده گروه طبیعی نیست که به وسیله والدین بنا شده باشد، بلکه نهادی است اجتماعی که عوامل اجتماعی آن را به وجود آورده اند. زیرا قاعده دورکیم به این است که هر عمل اجتماعی را به وسیله یک عامل اجتماعی دیگر تبیین می کند. از طرف دیگر

پارسونز اعتقاد داشت فرایند توسعه صنعتی منجر به تغییرات خانواده از شکل گسترده به خانواده ی هسته ای شده است. این نوع خانواده، بر خلاف خانواده گسترده، تمام کارکردهای اجتماعی و اقتصادی خود را از دست داده و صرفاً به واحد سکونت و مصرف تبدیل شده است. پارسونز در مورد فرآیند هسته ای شدن خانواده به اهمیت شغل پرداخته و بر اساس متغیرهای الگویی خویش اهمیت آن را ناشی از ماهیت نظام تقسیم کار در جوامع صنعتی جدید می داند. به نظر وی از اثرات پیچیدگی نظام این است که از شغل یک رکن اصلی پایگاه اجتماعی می سازد. از طرف دیگر پایگاه شغلی یک فرد عموماً حاصل یک فرآیند طولانی سرمایه گذاری و آموزش می باشد. در مسیر تطور جوامع صنعتی زمانی فرا می رسد که خانواده عموماً دیگر از لحاظ پایگاه شغلی منشاء هیچ کمکی برای فرد نمی باشد. بنابراین در این تئوری اقتصاد و خانواده بعنوان دو نهاد اجتماعی مرتبط و پیوسته در نظام اجتماعی هستند و رابطه زن و شوهر در ازدواج به طور خیلی متفاوت به موقعیت اقتصادی آنها بستگی دارد. بعنوان مثال فردی که بیکار است در مقایسه با فردی که مشغول به کار است در موقعیت متفاوتی در موقع ازدواج قرار دارد. بر اساس این تئوری ازدواج و تشکیل خانواده حاصل تعامل تمامی خرده نظام های جامعه با یکدیگر است چنانچه برای ازدواج می بایست شغل (درآمد) و مسکن مناسب مهیا گردد که لازمه آنها، تحصیل (آموزش) و کسب تخصص است. نظریه تورم رکودی بیان کرده است، جوامعی که در حال گذار بوده اند یا در ابتدای توسعه صنعتی می باشند از سن متوسط ازدواج بالایی برخوردارند. شاید در سطح کلان عامل اصلی بالارفتن سن ازدواج ناشی از وجود ساختار اقتصادی در حال گذار کشورها می باشد، زیرا همواره در ابتدای دوره رشد صنعت و به دنبال آن امکان آزادی فردی و کاهش حضور والدین در امر ازدواج و پایین بودن سطح زندگی و نیز وجود بیکاری سن متوسط ازدواج بالا میباشند (بحیرائی، ۱۳۹۱: ۳۵).

مدل مفهومی



همانگونه که در مدل مشاهده می شود معیارهای مالی، شخصیتی، عاطفی، جمعیتی، اجتماعی و فرا دست بودن همسر آینده بر تمایل ازدواج دختران ۱۹-۲۹ ساله در شهرستان نهاوند تأثیر می گذارد.

روش، ابزار

روش این پژوهش تبیینی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه دختران بین سنین ۱۹-۲۹ سال ازدواج نکرده در شهر نهاوند (۶۵۱۷ نفر) بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ می باشد. روش نمونه گیری به صورت تصادفی در دسترس می باشد. پس از برآورد حجم نمونه از بین دختران بین سنین ۱۹-۲۹ سال ازدواج نکرده در شهر نهاوند، نمونه ها به صورت در دسترس انتخاب شدند. حجم نمونه توسط فرمول کوکران برابر با ۳۶۲ بدست آمده است. ابزار اصلی گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته (مستخرج از چارچوب نظری) است. پرسشنامه شامل (۴۸ سؤال) است. این پرسشنامه علاوه بر اطلاعات فردی، معیارهای مالی، شخصیتی، اجتماعی، جمعیتی و عاطفی و فرا دست بودن همسر مطلوب را سنجیده است.

یافته ها

فرضیه اول: بین معیار مالی و تمایل به ازدواج دختران ۱۹-۲۹ ساله در شهرستان نهاوند رابطه وجود دارد؟

جدول ۱: رابطه معیار مالی و تمایل به ازدواج دختران ۱۹-۲۹ ساله

تمایل به ازدواج	ضریب اسپیرمن	سطح معنی دار sig
معیار مالی	-۰,۵۷۳	۰/۰۰۱

با توجه به داده های جدول فوق می توانیم بگوییم، ضریب همبستگی بین معیار مالی و تمایل به ازدواج دختران ۱۹-۲۹ ساله برابر با $۵۷۳/۰$ - میباشد که در سطح ۹۵ درصد معنادار است.

($P < ۰.۰۵$). هر چه معیار مالی بیشتر می شود، تمایل به ازدواج دختران کمتر میشود. این نتایج با یافته های جعفر آبادی (۱۳۹۰) همخوانی دارد، وی بیان کرده است مادیات و درآمد بیشترین تأثیر را بر افزایش سن ازدواج داشته است.

فرضیه دوم: بین معیار شخصیتی و تمایل به ازدواج دختران ۱۹-۲۹ ساله در شهرستان نهاوند رابطه وجود دارد؟

جدول ۲: رابطه معیار شخصیتی و تمایل به ازدواج دختران ۱۹-۲۹ ساله

تمایل به ازدواج	ضریب اسپیرمن	سطح معنی دار sig
معیار شخصیتی	-۰/۶۲۹	۰/۰۰۱

ضریب همبستگی بین معیار شخصیتی و تمایل به ازدواج دختران برابر با $0,629$ - می باشد که در سطح 95 درصد معنادار است ($P < 0,05/0$).

هر چه معیار شخصیتی بیشتر باشد، تمایل به ازدواج کمتر می شود. فرضیه سوم: بین معیار عاطفی و تمایل به ازدواج دختران $19-29$ ساله در شهرستان نهاوند رابطه وجود دارد.

جدول ۳- رابطه معیار عاطفی و تمایل به ازدواج دختران $19-29$ ساله

تمایل به ازدواج	ضریب اسپیرمن	سطح معنی دار sig
معیار عاطفی	$-0,771$	$0,001$

ضریب همبستگی بین معیار عاطفی و تمایل به ازدواج دختران برابر با $0,71$ - می باشد که در سطح 95 درصد معنادار است ($P < 0,05/0$). این رابطه مثبت و مستقیم است. هر چه معیار عاطفی بیشتر باشد، تمایل به ازدواج کمتر می شود. فرضیه چهارم: بین معیار جمعیتی و تمایل به ازدواج دختران $19-29$ ساله در شهرستان نهاوند رابطه وجود دارد.

جدول ۴: رابطه معیار جمعیتی و تمایل به ازدواج دختران $19-29$ ساله

تمایل به ازدواج	ضریب اسپیرمن	سطح معنی دار sig
معیار جمعیتی	$-0,735$	$0,001$

ضریب همبستگی بین معیار جمعیتی و تمایل به ازدواج دختران $19-29$ ساله برابر با $-0,735$ می باشد که در سطح 95 درصد معنادار است ($P < 0,05/0$). این رابطه منفی و معکوس است. هر چه معیار جمعیتی کمتر باشد و دختران خواهان جمعیت کمتر در خانواده همسر آینده باشند، تمایل به ازدواج دختران بیشتر می شود. فرضیه پنجم: بین معیار اجتماعی و تمایل به ازدواج دختران $19-29$ ساله در شهرستان نهاوند رابطه وجود دارد.

جدول ۵: رابطه معیار اجتماعی و تمایل به ازدواج دختران $19-29$ ساله

تمایل به ازدواج	ضریب اسپیرمن	سطح معنی دار sig
معیار اجتماعی	$-0,669$	$0,001$

ضریب همبستگی بین معیار اجتماعی و تمایل به ازدواج دختران $19-29$ ساله برابر با $-0,669$ می باشد که در سطح 95 درصد معنادار است ($P < 0,05/0$). این رابطه منفی و معکوس است. هر چه معیار اجتماعی بیشتر باشد، تمایل به ازدواج دختران کمتر می شود. فرضیه ششم: بین فرادست بودن همسر مطلوب از نظر اقتصادی، اجتماعی و تمایل به ازدواج دختران $19-29$ ساله در شهرستان نهاوند رابطه وجود دارد؟

جدول ۶: رابطه معیار عشقی و تمایل به ازدواج دختران $19-29$ ساله

تمایل به ازدواج	ضریب اسپیرمن	سطح معنی دار sig
فرادست بودن مطلوب از نظر اقتصادی	$-0,529$	$0,000$
فرادست بودن مطلوب از نظر اجتماعی	$-0,701$	$0,000$

ضریب همبستگی بین فرادست بودن همسر مطلوب از نظر اقتصادی، اجتماعی و تمایل به ازدواج دختران $19-29$ ساله برابر با $-0,529$ و $-0,701$ می باشد که در سطح 95 درصد معنادار است ($P < 0,05/0$). این رابطه منفی و معکوس است. هر چه فرادست بودن همسر مطلوب از نظر اقتصادی، اجتماعی برای دختران بیشتر باشد، تمایل به ازدواج دختران کمتر می شود.

این یافته ها با نتایج کاظمی پور (۱۳۸۳) همخوانی دارد، وی بیان کرده است میزان تحصیلات با افزایش سن ازدواج رابطه مستقیم دارد به طوری که هر چه فرد تحصیلات بیشتری دارد، توقع بالاتری از اشتغال و سطح زندگی دارد بنابراین دیرتر ازدواج می کند. همچنین بحیرائی (۱۳۹۱) بیان کرده است بعد خانوار، اشتغال زنان و تحصیلات عالی بر افزایش سن ازدواج تأثیرگذار بوده است. همچنین آبدخت (۱۳۸۴) در راستای یافته های این فرضیه بیان کرده است نتایج این پژوهش حاکی از آن است که دختران ازدواج نکرده نسبت به دختران ازدواج کرده از تحصیلات بالاتری برخوردارند، بعلاوه بیشترین شاغلین را

دختران ازدواج نکرده تشکیل می دادند تا دختران ازدواج کرده، دختران ازدواج نکرده از پایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتری نسبت به دختران ازدواج کرده برخوردارند و بالاخره اینکه دختران تحصیلکرده، تحصیلات و دختران ازدواج کرده سن را جزء معیارهای نخستین انتخاب همسر قرار دادند. همچنین با یافته های اسکندری چراتی (۱۳۸۷) همخوانی دارد، وی معتقد است، بین متغیرهای ادامه تحصیل، با تأخیر در سن ازدواج جوانان رابطه معنی داری وجود دارد. این نتایج با یافته های فرهمندیگی (۱۳۸۷) همخوانی دارد، وی بیان کرده است تأخیر در سن ازدواج با گرایش به رفتارهای فردگرایانه، جنسیت، انتخاب و دو راهی اجتماعی در موقعیت های خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی رابطه معنی داری دارد. همچنین با یافته های اسکندری چراتی (۱۳۸۷) همخوانی دارد، وی معتقد است، بین متغیرهای موقعیت اجتماعی خانواده با تأخیر در سن ازدواج جوانان رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین می توان با نتایج سالم (۱۳۹۲) همخوانی داد، چنانکه وی معتقد است، افزایش جایگاه اجتماعی در افزایش سن ازدواج دختران تأثیر داشته است.

باعث ایجاد محیطی صمیمی و سرشار از عشق و علاقه در رابطه زن و شوهر و والدین و فرزندان خواهد شد و این محیط برای اجتماعی کردن صحیح و مناسب کودکان ضروری است و همچنین در شکوفایی و تکامل استعدادها و علائق بزرگسالان نیز نقش مهمی دارد. انتخاب های ناهمسان بین خانواده ها و توقع فرادست بودن همسر آینده، تمایل به ازدواج را کاهش میدهد و با ایجاد شکاف و فاصله طبقاتی، علاوه بر ایجاد مشکلاتی برای خانواده ها، جامعه را نیز به سوی ناهمگنی سوق میدهد. بدین سبب در بیشتر مواقع خانواده هایی که نمی توانند از نظر مالی و اجتماعی با طرف مقابل برابری نمایند از ازدواج و وصلت با آنان پرهیز می کنند.

بحث و نتیجه گیری

تحولات ایجاد شده در سطح خانواده منجر به بروز و ظهور نظریات و نگرش های مختلف و متفاوتی نسبت به این نهاد اجتماعی شده است. در نتایج مشاهده شد که امروزه در گذار جامعه از شکل سنتی و روی آوردن به مدرنیته و غالب شدن آن بر سنت های گذشته، شکل خانواده ها نیز تغییر یافته است، این تغییر شکل بر ازدواج جوانان تأثیر شگرفی داشته است به گونه ای که پدیده ای تأخر در ازدواج یک اپیدمی در خانواده شده است. در نتایج مشاهده شد که خانواده همسر) و بعد آن در تمایل به ازدواج تأثیر دارد، الگوی سیستمی خانواده نشان می دهد که هر شخص چگونه در زندگی نقشی را در مجموعه نظام بازی می کند. این نگرش، خانواده را به عنوان یک نظام می پذیرد و هر یک از اعضای آن را به عنوان نشانه ای از خانواده در نظر می گیرد. در این صورت، اگر فردی از خانواده دارای رفتار نابه هنجار باشد، این امر نشانگر ناموفق بودن نظام خانواده به حساب می آید. زیر نظامها بخش های یک نظام محلی هستند که وظیفه اجرایی کارکردهای خاص یا فرایندهای خاص در درون سیستم را با هدف حفظ سیستم به عنوان یک کل دارند. هر خانواده دارای تعدادی از زیر نظامهای همزیستی است که توسط نسل، جنس، علاقه و یا نقش و کارکرد در درون خانواده شکل گرفته است. با دوام ترین آنها زیر نظامهای زوجی، والد فرزند، هخواهر برادر است. مینوچین معتقد است که داشتن نگرش سیستمی خانواده در قالب یک نظام اجتماعی، موجب نظم و ثبات در ساختار سلسله مراتبی خانواده میشود. گاهی پرتعداد بودن افراد خانواده موجب دلسردی جوانان از ازدواج بوده و گاهی وجود خواهر و برادر بیشتر در خانواده همسر از تمایل دختران به ازدواج می کاهد، چرا که باید آنان را درگیر مسئولیت های بیشتری در زندگی نماید. در فرضیه دوم مشاهده شد که هر چه دختران از نظر شخصیتی به دنبال موقعیت های بهتر و بالاتر باشند، تمایل به ازدواج در آنها کمتر شده و حساسیت آنان را نسبت به انتخاب همسر بیشتر می کند. در یافته های حاصل از فرضیه سوم دریافت شد که معیار عشقی و عاطفی در تمایل به ازدواج اثرگذار است، دختری که در خانواده مورد محبت واقع نشده باشد، بدون شک هر چه زودتر دوست دارد از محیط خانه دور باشد ولی امروزه دختران به وجود عشق بین دو طرف در حد متوسط اعتقاد دارند، چرا که معیارهای اقتصادی نیز ارجحیت در زندگی مشترک دارند. بنا به نظر پارسونز، وجود عشق رمانتیک به عنوان عامل اصلی ازدواج، باعث ایجاد محیطی صمیمی و سرشار از عشق و علاقه در رابطه زن و شوهر و والدین و فرزندان خواهد شد و این محیط برای اجتماعی کردن صحیح و مناسب کودکان ضروری است و همچنین در شکوفایی و تکامل استعدادها و علائق بزرگسالان نیز نقش مهمی دارد. انتخاب های ناهمسان بین خانواده ها و توقع فرادست بودن همسر آینده،

تمایل به ازدواج را کاهش میدهد و با ایجاد شکاف و فاصله طبقاتی، علاوه بر ایجاد مشکلاتی برای خانواده ها، جامعه را نیز به سوی ناهمگنی سوق میدهد. بدین سبب در بیشتر مواقع خانواده هایی که نمی توانند از نظر مالی و اجتماعی با طرف مقابل برابری نمایند از ازدواج و وصلت با آنان پرهیز می کنند.

پیشنهادهای

با توجه به یافته های تحقیق، مشاهده شده معیار مالی با تمایل با ازدواج رابطه معکوس دارد. مادیات و درآمد نقش مهمی در تمایل به ازدواج دختران دارد، پیشنهاد می شود خصیصه هایی مانند گذشت، صبر و همدلی برای زندگی از سوی والدین به جوانان آموزش داده شود تا سن ازدواج جوانان کاهش پیدا کند. ضمن اینکه با توجه به یافته های تحقیق، مشاهده شد که معیار شخصیتی و اجتماعی با ازدواج رابطه معکوس دارد. پیشنهاد می شود تا نگرش دختران با تفکری منطقی صورت گیرد و برای انتخاب همسر به ظواهر اهمیت نداده و افرادی را که همسطح و هم طبقه خود هستند، برای ازدواج انتخاب کنند. همچنین دریافتیم که داشتن جایگاه اجتماعی و اقتصادی همسر آینده با تمایل با ازدواج رابطه معکوس دارد. جوانان برای تشکیل خانواده علاوه بر مسائل اقتصادی نیازمند منزلت اجتماعی و داشتن ارج و قرب اجتماعی هستند، لذا پیشنهاد می شود تا مسئولین با ایجاد فرصت های شغلی برابر و ایجاد عدالت محیطی در افزایش جایگاه اجتماعی جوانان نقش بسزایی داشته باشند.

منابع

- آزاد ارمکی، محمدتقی؛ غیاثوند. (۱۳۸۲). جامعه شناسی تغییرات فرهنگی در ایران، تهران: نشر آن. اسکندری چراتی، آذر (۱۳۸۷).
- بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج در ایران با تأکید بر استان گلستان، فصلنامه تخصصی جامعه شناسی دانشگاه آزاد آشتیان، سال چهارم، شماره سوم. - اعزازی، شهلا. (۱۳۸۷).
- البا، بهار. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان شهر مسجد سلیمان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، واحد شوشتر.
- بحیرائی. الهام. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران مرکز). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- برناردز، جان (۱۳۸۴). در آمدی به مطالعات خانواده؛ ترجمه حسین قاضیان؛ تهران: نشر نی -تریانیدیس، هری. (۱۳۷۸). فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه نصرت فنی، تهران: نشر رسانش
- جعفر آبادی، ابوطالب. (۱۳۹۰). بررسی علل فرهنگی اجتماعی افزایش سن ازدواج جوانان شهر گرگان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد گرگان.
- ریترز، جورج. (۱۳۸۴) نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ تهران: علمی سالم، حسین. (۱۳۹۲)
- بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر افزایش سن ازدواج دختران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد رودهن
- شهنوازی، لیلا. (۱۳۸۹). بررسی علل تأخیر ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور زاهدان، پایان نامه دوره کارشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- صدرالاشرفی، مسعود. (۱۳۹۱). شناسایی عوامل مؤثر بر ازدواج آسان از دیدگاه دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور مرکز رزن، فصلنامه مهندسی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۶۹
- ضرابی، وحید، مصطفوی، فرخ. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران با یک رویکرد اقتصادی، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، سال یازدهم، شماره چهارم. - کاظمی پور، شهلا. (۱۳۸۵). تحول سن ازدواج در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن، پژوهش زنان، شماره ۳.
- محمودیان، حسین. (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش، بررسی عوامل پشتیبان، مجله علوم اجتماعی، شماره ۲۴.

میلزسی رایت. (۲۰۰۱) بینش جامعه شناختی نقدی بر جامعه شناسی آمریکائی. ترجمه عبدالمعبود انصاری تهران: انتشارات امیرکبیر. جامعه شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.